

ماهیت نامتجانس بهبود موقعیت زنان در ایران

حسین محمودیان*

چکیده: بهبود موقعیت زنان شرطی لازم برای توسعه پایدار می‌باشد. جهت نیل به چنین توسعه‌ای، تلاش زیادی، چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی، برای توانمندسازی زنان انجام گرفته است. بر اثر تحولات و تغییرات اقتصادی و اجتماعی، موقعیت زنان در ایران در دهه‌های اخیر بهبود قابل توجهی را نشان می‌دهد. اگرچه این بهبود، همچنین، برای مردان نیز صادق است، شدت و قدرت بیشتر آن برای زنان (در بعضی از بخش‌های زندگی آن‌ها)، به کمتر شدن شکاف جنسیتی در وضعیت اقتصادی و اجتماعی بین مردان و زنان منجر شده است. این مقاله بر آن است تا با استفاده از داده‌های سرشماری (از سال ۱۳۴۵) و سایر منابع (طرح آمارگیری از ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها در ایران که توسط مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۰ انجام شده است) بهبود موقعیت زنان را در مقایسه با مردان مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. یافته‌ها بهبود بیشتر موقعیت زنان در زمینه‌های آموزش، بهداشت و تصمیم‌گیری در خانواده را نشان می‌دهند. با این حال موقعیت زنان بر حسب مشارکت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در جامعه تغییر چندانی را به دنبال نداشته است. تلاش در جهت افزایش عدالت جنسیتی در خانواده‌ها، سیاست‌های جمعیتی و توسعه‌ای دولت جهت افزایش توانمندی زنان، تاکید ویژه دین اسلام بر رعایت حقوق زنان و عدالت جنسیتی، و انگیزه قوی زنان برای بهبود موقعیت خود از مهم‌ترین عوامل تبیین‌کننده بهبود موقعیت زنان می‌باشند. ماهیت نامتجانس این توانمندسازی می‌تواند عواقب متعددی را به همراه داشته و راهکارهای متفاوتی را مطالبه کند. زنان توانمند از طریق افزایش مهارت‌ها، تخصص‌ها و ایده‌های نو، در طلب مشارکت بیشتر اقتصادی و اجتماعی خواهند بود. با توجه به مشارکت کم آن‌ها، بسترسازی حضور چنین حجم بزرگی از جمعیت نیازمند تغییرات ساختاری در شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است. توانمندی بیشتر زنان، در عوض، این بسترسازی را تقویت خواهد کرد. این تعامل به سطوح بالاتری از برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، با توجه به اهداف توسعه هزاره، منجر خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: زنان، موقعیت زنان، توانمندسازی، برابری جنسیتی، مشارکت اقتصادی و اجتماعی، توسعه پایدار

مقدمه

وضعیت و موقعیت زنان، همانند مردان، در طول تاریخ جوامع انسانی تغییر کرده است. با این حال، ماهیت این تغییر برای مردان و زنان متفاوت بوده است. این تفاوت می‌تواند به عوامل زیستی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نسبت داده شود. نظر به توسعه جدید جوامع انسانی، حرکت از جامعه ماقبل مدرن (اقتصاد کشاورزی) به جامعه مدرن (اقتصاد صنعتی و تجاری)، تغییرات در وضعیت هر دو جنس اساسی بوده است. به علت موقعیت بالاتر مردان در جوامع، آن‌ها توانستند زودتر و بیشتر از مواهب توسعه برخوردار شوند. این نابرابری که در اکثر جوامع، بالاخص جوامع در حال توسعه، نمایان است، حرکت به سمت توسعه پایدار را با مشکل مواجه خواهد کرد. بنابراین، افزایش توانمندی زنان برای نیل به درجه بالاتری از برابری جنسیتی گامی اساسی برای دستیابی به این توسعه است.

اهمیت تعامل موقعیت زنان با ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی، توجه بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی در جهت افزایش برابری جنسیتی را به خود جلب کرده است. کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه قاهره در سال ۱۹۹۴ حق زنان بر کنترل تمامی جنبه‌های سلامت و بهداشت خود را مورد اشاره قرار داده و برابری زن و مرد در روابط جنسی و تجدید نسل را مورد تاکید قرار داد. این توجه با برنامه عملیاتی چهارمین کنفرانس جهانی زنان در سال ۱۹۹۵ که بر یک دیدگاه کلی‌نگر و مبتنی بر چرخه زندگی در مورد بهداشت و سلامت زنان استوار بود دنبال شد (صندوق جمعیت سازمان ملل، ۱۹۹۹). معاهده حذف تمامی اشکال تبعیض بر علیه زنان که چارچوب قانونی را برای توسعه برابری جنسیتی آماده می‌کرد توسط اکثریت قریب به اتفاق کشورها مورد تصویب قرار گرفت (برنامه توسعه سازمان ملل، ۱۹۹۹). برابری جنسیتی به‌عنوان یک حق انسانی یکی از اهداف توسعه هزاره را تشکیل داده و شاه‌کلید اساسی برای دستیابی به هفت هدف دیگر می‌باشد. سازمان ملل این هدف را در سرلوحه اهداف توسعه هزاره در ۲۰۰۵ قرار داده است (صندوق جمعیت سازمان ملل، ۲۰۰۵: ۱).

ایران نیز مراحل مهم انتقال جمعیتی را پشت سر گذاشته است. میزان‌های باروری و مرگ و میر به شدت کاهش یافته‌اند و میزان رشد فعلی جمعیت (۱/۲ درصد) در حد نسبتاً پایینی قرار دارد. به همراه این تغییرات، موقعیت زنان به طور کلی نیز به طور قابل توجه‌ای بهبود یافته است. این بهبود که عمدتاً در تحصیلات، و سلامت و بهداشت حاصل شده است، توسط گزارش‌های سازمان‌ها، نتایج سرشماری‌ها و بررسی‌های ملی مستند شده است (متین و دونلو، ۱۳۸۳؛ موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۳؛ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی^۱، ۲۰۰۵؛ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دیگران، ۱۳۸۱). با توجه به اهمیت تحولات و تغییرات اقتصادی و اجتماعی کشور در دهه‌های اخیر، بررسی و تبیین تغییرات وضعیت زنان در مقایسه با مردان، با توجه به تبعات و الزامات سیاستی و برنامه‌ریزی، نیازمند توجه‌های ویژه می‌باشد.

با استفاده از داده‌های موجود (سرشماری‌های کشور در فاصله ۷۵-۱۳۴۵ و سایر داده‌ها)، این مقاله بررسی میزان برابری جنسیتی و وضعیت توانمندسازی زنان در دهه‌های اخیر را هدف اصلی خود قرار داده است. تبیین این تغییرات و ارائه راهکارهای سیاستی در جهت افزایش برابری جنسیتی در نیل به توسعه پایدار، اهداف دیگر این مقاله را تشکیل می‌دهند.

مبانی نظری

از آنجا که ایده توسعه پایدار تاکید عمده‌ای بر توانمندسازی زنان دارد، توجه به موضوع برابری جنسیتی اهمیت قابل توجه‌ای یافته است. تلاش‌های زیادی از سوی محققان برای تبیین نابرابری جنسیتی انجام شده است و اقدامات فراوانی، چه از نظر ملی و چه از نظر بین‌المللی، برای رفع موانع توانمندسازی زنان و نیل به سطوح بالاتری از برابری جنسیتی صورت گرفته است. مطالعات نظری مرتبط با این موضوع بیشتر به دیدگاه‌های فمینیستی مرتبط می‌باشند. این دیدگاه‌ها پایین بودن موقعیت زنان را ناشی از نبود فرصت‌های لازم برای زنان، پایین بودن سطوح تحصیلات آن‌ها و محدودیت‌های مختلفی که در مورد زنان در خانواده اعمال می‌شود می‌دانند. به زعم آن‌ها زنان باید همانند مردان از فرصت‌های لازم در جامعه استفاده کنند (جگر^۲، ۱۹۸۳: ۳۷؛ سارجنت^۱، ۱۹۹۹: ۱۳۳؛ والر^۲، ۱۹۹۹: ۱۰).

1. Ministry of Health and Medical Education

2. Jagger

دیدگاه‌های مرتبط با توانمندی زنان بر نظریه‌های فمینیستی و تجربیات کشورهای در حال توسعه در این خصوص مبتنی هستند. افزایش توانایی‌ها، اعتماد به نفس و حق انتخاب زنان از اهداف مهم این دیدگاه‌ها می‌باشد. توانمندسازی زنان می‌تواند در پنج مرحله انجام گیرد: مرحله رفاه مادی (رفع تبعیض جنسیتی در تغذیه و درآمد)، مرحله دسترسی (دسترسی به زمین، کار و سرمایه)، مرحله آگاهی (آگاهی از وضعیت خود)، مرحله مشارکت (مشارکت اقتصادی و اجتماعی) و مرحله کنترل (برابری جنسیتی در قدرت) (کتابی و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۱).

از نظر جمعیت‌شناسی، موضوع موقعیت زنان بسیار مهم می‌باشد. زنان نقش اساسی را در فرایندهای جمعیتی بازی می‌کنند و بهبود موقعیت آن‌ها تاثیر زیادی را بر وقایع جمعیتی نظیر تولد، مرگ، مهاجرت و بهداشت اعمال خواهد کرد. دلایل زیادی برای این اهمیت وجود دارد: زنان تحصیل کرده منابع و سرمایه انسانی را از طریق دخالت در بهداشت، آموزش و تغذیه فرزندان خود افزایش می‌دهند؛ زمانی که زن دارای شغل دارای درآمد بوده و بر منابع اقتصادی کنترل داشته باشد، میزان درآمد و استاندارد زندگی خانوار بهبود می‌یابد؛ و مشارکت سیاسی زنان، فرایند اولویت در سیاست‌های عمومی را دگرگون کرده و حکومت را به سوی مساوات و برابری بیشتر هدایت می‌کند (بانک جهانی،^۲ ۱۹۹۴؛ دالر^۳ و گتی^۴، ۱۹۹۹؛ رضوی^۵، ۱۹۹۹؛ رضوی^۶، ۱۹۹۷؛ صندوق جمعیت سازمان ملل^۷، ۲۰۰۵: ۱۱).

هرچند بهبود موقعیت زنان می‌تواند در توسعه نقش داشته باشد، توسعه نیز می‌تواند وضعیت زنان را دگرگون کند. توسعه اقتصادی و اجتماعی اثرات متفاوتی را بر موقعیت زنان اعمال می‌کند. توسعه می‌تواند از طریق مشارکت زنان در اقتصاد و فضای عمومی جامعه به آزادی بیشتر و سطح بالاتری از برابری جنسیتی منجر شود. سرمایه‌داری ممکن است زنان را از کارها و فعالیت‌های تولیدی باز داشته و آنان را در یک حلقه شخصی‌تری محصور کند. در این حالت، آن‌ها ممکن است کنترل خود بر بسیاری از چیزها را از دست داده و به مردان وابسته شوند. توسعه، همچنین، به استثمار زنان منتهی می‌شود: زنان ممکن است حضور

1. Sargent
2. Valeri
3. World Bank
4. Dollar
5. Gatti
6. Razavi
7. UNFPA

گسترده‌تری در کارهای تولیدی داشته باشند، اما به علت بازار دوگانه کار، عموماً در مشاغل دست دوم با عایدی کمتر متمرکز می‌شوند (آبوت و والاس، ۱۳۸۰: ۷۱).

فرض اساسی تمامی این دیدگاه‌ها بر این است که وضعیت زنان در موقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه، در بسیاری از کشورها، همانند وضعیت مردان نیست و بهبود موقعیت زنان و حصول به درجه‌ای از برابری بین مردان و زنان در این زمینه‌ها نیازمند تغییر در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جوامع است. این تغییرات که خود از طریق توسعه و مشارکت همه‌جانبه افراد جامعه حاصل می‌شود، تضمین‌کننده پایداری توسعه و افزایش برابری جنسیتی خواهد بود.

روش بررسی و تعریف مفاهیم

این تحقیق بر تحلیل ثانویه داده‌های موجود استوار می‌باشد. با استفاده از این داده‌ها موقعیت زنان و روند تغییرات آن در دهه‌های اخیر، با توجه به اهداف فوق‌الذکر، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. داده‌های مختلفی برای این بررسی مورد استفاده قرار گرفتند. داده‌های منتشر شده سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن کشور در سالهای ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ که در برگیرنده متغیرهای مهم اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی می‌باشند، از مهمترین آن‌ها می‌باشند. با استفاده از این داده‌ها، وضعیت مردان و زنان با توجه متغیرهای مهمی نظیر میزان تحصیلات، مشارکت اقتصادی در نیروی کار، وضعیت تاهل و تعداد جمعیت طی دوره ۱۳۴۵-۷۵ مورد بررسی قرار می‌گیرد. داده‌های حاصل از طرح آمارگیری از ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی خانوار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۰ بخش دوم داده‌ها را تشکیل می‌دهد. این بررسی نمونه‌ای ۶۹۶۰ خانوار در سطح کشور را تحت پوشش قرار داده است. همانند داده‌های سرشماری، این طرح مهمترین متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی را پوشش می‌دهد. علاوه بر آن، متغیرهایی نظیر رابطه خویشاوندی با همسر، نحوه انتخاب همسر، تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده، استفاده از روش‌های جلوگیری از حاملگی، و نگرش زنان نسبت به برابری جنسیتی و اقتدار زنان در خانواده مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

مفاهیم اصلی مورد بررسی در این مقاله عبارتند از:

توانمندسازی^۱ زنان: در معنای ساده، توانمندسازی زنان به معنی افزایش مهارت‌ها و قابلیت‌های فکری، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان در جهت افزایش مشارکت بیشتر آن‌ها در جامعه می‌باشد. تعاریف متفاوتی برای توانمندسازی زنان ارائه شده است (آبوت و والاس، ۱۳۸۰؛ شادی‌طلب، ۱۳۸۱؛ کتابی و دیگران، ۱۳۸۲). شادی‌طلب (۱۳۸۱: ۵۴) توانمندی را به صورت زیر تعریف کرده است: «توانمندسازی یعنی اینکه مردم باید به سطحی از توسعه فردی دست یابند که به آن‌ها امکان انتخاب براساس خواست‌های خود را بدهد». به زعم آبوت و والاس (۱۳۸۰: ۳۱۱) «توانمندسازی فرایندی است که طی آن زنان توانایی تشکیل و سازماندهی خود را پیدا می‌کنند تا بتوانند اعتماد به نفس خود را افزایش دهند، حق انتخاب آزادانه و مستقل برای خود طلب کنند و منابعی را که به مبارزه با فرودستی ایشان و محو این فرودستی مدد می‌رساند تحت کنترل بگیرند».

برابری جنسیتی^۲: برابری جنسیتی به معنای حقوق برابر زنان و مردان در استفاده از امکانات و فرصت‌هاست. آزاد ارمکی و غفورنیا (۱۳۸۰: ۳۰) برابری جنسیتی را «پاداش‌ها و فرصت‌های برابر بین زنان و مردان و حق برابر زنان و مردان در استفاده از نعمت‌های مادی و معنوی موجود در جامعه مطابق با کار انجام شده» تعریف کرده‌اند.

توسعه پایدار^۳: توسعه پایدار دوام و جامعیت توسعه اقتصادی و اجتماعی را مطالبه می‌کند. از این منظر توسعه اقتصادی و اجتماعی برای نسل‌های کنونی باید طوری طراحی شود که هیچ آسیبی را برای زندگی نسل‌های آتی به همراه نداشته باشد (لوکاس و میر، ۱۳۸۴: ۲۳۱).

میزان عدالت جنسیتی در ابعاد مختلف

عدالت تحصیلی

جدول ۱ نشان‌دهنده میزان تحصیلات زنان و مردان شش ساله و بیشتر طی دوره ۸۰-۱۳۴۵ می‌باشد. همان‌طور که نشان داده شده است، میزان تحصیلات هر دو جنس در دوره مورد نظر به‌طور قابل توجه‌ای افزایش یافته است، هرچند میزان افزایش برای زنان بیشتر بوده است. توزیع افراد بر حسب میزان تحصیلات

1. Empowerment
2. Gender equality
3. Sustainable development

برای هر دو جنس در سال ۱۳۸۰ تقریباً مشابه بود، هرچند زنان نسبتاً از میزان تحصیلات پایین‌تری برخوردار بودند. میزان بی‌سوادی زنان با کاهش ۵۶ درصدی از ۸۰ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۲۴ درصد در سال ۱۳۸۰ رسید. در کل، سطح نسبتاً بالایی از برابری جنسیتی در حوزه آموزش در دوره مورد نظر حاصل شده است. نشانه‌هایی از افزایش بیشتر میزان تحصیلات زنان در آینده وجود دارد. درصد دانشجویان زن در دانشگاه‌ها مداوماً در حال افزایش می‌باشد. این رقم از ۲۸ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۵۳ درصد در سال ۱۳۸۳ افزایش یافته است (موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۳).

جدول ۱- توزیع نسبی مردان و زنان ۶ ساله* و بیشتر برحسب میزان تحصیلات، ۸۰-۱۳۴۵										
۱۳۸۰		۱۳۷۵		۱۳۶۵		۱۳۵۵		۱۳۴۵		میزان تحصیلات
مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	
۳۴	۳۸	۴۷	۵۱	۵۷	۶۳	۶۴	۶۶	۷۹	۷۸	ابتدایی و کمتر
۲۸	۲۳	۲۵	۲۳	۱۷	۱۹	۱۶	۱۶	۱۰	۱۲	راهنمایی
۲۸	۲۸	۲۱	۲۱	۲۱	۱۶	۱۳	۱۳	۸	۸	متوسطه
۸	۷	۷	۵	۴	۲	۴	۳	۲	۱	دانشگاهی
۲	۴	۰	۰	۱	۰	۳	۲	۰	۰	سایر**
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع
۱۳	۲۴	۱۵	۲۶	۲۸	۴۷	۴۰	۶۴	۵۷	۸۰	درصد افراد بی‌سواد
* ۷ ساله و بیشتر در سال ۱۳۴۵										
** فنی و حرفه‌ای در سال ۵۵، حوزوی در سال‌های ۶۵ و ۷۵، علوم دینی و سایر در سال ۸۰										

منبع: نشریات سرشماری کشور برای سال‌های ۱۳۴۵-۷۵. ارقام سال ۱۳۸۰ براساس داده‌های طرح "بررسی ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی خانوار" مرکز آمار ایران می‌باشد.

عدالت جنسیتی در فرصت‌های شغلی

جدول ۲ نشان‌دهنده میزان فعالیت^۱ زنان و مردان ۱۰ ساله و بیشتر طی دوره مورد مطالعه می‌باشد. همان‌طور که مشاهده می‌شود مشارکت زنان در نیروی کار بهبود قابل توجه‌ای را نشان نمی‌دهد. میزان

فعالیت مردان از ۷۷ درصد در سال ۱۳۴۵ به حدود ۶۵ درصد در سال ۱۳۸۰ کاهش یافت. این کاهش می‌تواند به افزایش سن شروع به کار و عدم فعالیت سالمندان در سال‌های پایانی دوره مورد نظر، احتمالاً به علت بهره‌مندی از مزایای تامین اجتماعی، نسبت داده شود. میزان فعالیت زنان دارای یک روند کاهشی-افزایشی، کاهش در دوره ۶۵-۱۳۴۵ و افزایش طی ۸۰-۱۳۶۵، بوده است. ۷۷ درصد از زنان و ۷۸ درصد از مردان شاغل ۱۵ تا ۶۴ ساله در سال ۱۳۴۵ در بخش‌های کشاورزی و صنعت مشغول به کار بودند در حالی که ارقام مشابه برای زنان و مردان در سال ۱۳۷۵ به ترتیب ۵۲ و ۷۸ بوده است.

افزایش و کاهش میزان فعالیت زنان در دوره مورد بررسی می‌تواند از عوامل متعددی تاثیر پذیرد. انتقال نیروی کار (مهم‌تر شدن بیشتر بخش‌های صنعت و خدمات)، تغییرات اقتصادی و اجتماعی در کشور (عمدتاً ناشی از وقوع انقلاب اسلامی) و تغییرات در موقعیت زنان (افزایش میزان تحصیلات) از مهم‌ترین آن می‌باشند (محمودیان، ۱۳۸۲: ۲۱۳). شکاف بین مردان و زنان از نظر میزان مشارکت در نیروی کار تغییر مهمی نداشته است، هرچند در سال‌های پایانی دوره مورد مطالعه، میزان فعالیت زنان افزایش محسوسی را نسبت به دوره‌های قبل نشان می‌دهد. توانمندسازی زنان در جهت افزایش مشارکت در نیروی کار توجه خاصی را در سال‌های اخیر به خود جلب کرده است. با این حال، انتقال بازار کار و حجم زیاد جمعیت در سن کار (هدیه جمعیتی^۱ ناشی از انتقال جمعیتی) اشتغال زنان را با مشکل روبرو کرده است. میزان بیکاری زنان تقریباً دو برابر میزان مشابه برای مردان است. در سال ۱۳۸۳، میزان بیکاری زنان در حدود ۲۲ درصد و میزان بیکاری مردان در حدود ۱۱ درصد گزارش شده است (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۲۰۰۵).

عدالت جنسیتی در بخش بهداشت

زنان، همانند مردان، کاهش عمده‌ای را در میزان مرگ‌ومیر تجربه کرده‌اند. امید زندگی زنان از ۴۸ سال در ۱۳۴۵ به حدود ۷۳ سال در ۱۳۸۴ افزایش یافته است. ارقام مشابه برای مردان، به ترتیب، ۴۵ و ۷۰ سال بوده است. پیش‌بینی می‌شود امید زندگی زنان و مردان در سال ۲۰۱۰، به ترتیب، به ۷۹ و ۷۴ سال افزایش یابد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲؛ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۱۳۸۱). اگرچه زنان دارای امید زندگی بالاتری نسبت به مردان بوده‌اند، نسبت جنسی جمعیت ایران در سال‌های اخیر (جدول ۳) همیشه به نفع مردان بوده است. بالا بودن نسبت جنسی در ایران می‌تواند به عوامل مختلفی نظیر میزان بالای

¹ Demographic bonus

ماهیت نامتجانس بهبود موقعیت زنان در ایران ۱۳۳

مرگ‌ومیر مادران، ترجیح جنسی به نفع مردان و مشارکت بیشتر زنان در کارهای تولیدی (نظیر کشاورزی) که تاثیر آن‌ها بیشتر در گذشته بوده است نسبت داده شود (درودی آهی، ۱۳۸۴: ۲۳)، هرچند اشتباه‌های مربوط به گزارش سن هم می‌تواند تاثیرگذار باشد.

جدول ۲- میزان فعالیت زنان و مردان ۱۰ ساله و بیشتر به تفکیک سن، ۸۰-۱۳۴۵

۱۳۸۰		۱۳۷۵		۱۳۶۵		۱۳۵۵		۱۳۴۵		سن
مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	
۴.۲	۳.۴	۵.۱	۳.۰	۱۲.۸	۴.۵	۱۸.۴	۱۲.۷	۲۵.۹	۱۴.۲	۱۰-۱۴
۳۷.۲	۱۲.۲	۳۴.۵	۸.۸	۵۳.۷	۹.۵	۵۳.۳	۱۷.۲	۶۸.۰	۱۵.۵	۱۵-۱۹
۸۲.۳	۲۳.۵	۷۳.۷	۱۳.۴	۸۷.۸	۱۲.۱	۸۶.۴	۱۸.۴	۹۰.۸	۱۴.۲	۲۰-۲۴
۹۵.۷	۲۶.۷	۹۰.۲	۱۴.۳	۹۴.۸	۱۱.۲	۹۵.۷	۱۶.۳	۹۶.۶	۱۲.۷	۲۵-۲۹
۹۷.۳	۲۶.۵	۹۵.۰	۱۳.۰	۹۵.۹	۱۱.۱	۹۷.۸	۱۴.۲	۹۷.۷	۱۲.۱	۳۰-۳۴
۹۷.۳	۲۵.۳	۹۵.۸	۱۳.۲	۹۶.۹	۹.۵	۹۸.۴	۱۲.۸	۹۷.۹	۱۲.۳	۳۵-۳۹
۹۶.۹	۲۵.۹	۹۵.۰	۱۳.۰	۹۶.۲	۷.۸	۹۷.۷	۱۱.۸	۹۷.۵	۱۲.۵	۴۰-۴۴
۹۵.۰	۲۵.۰	۹۲.۶	۱۰.۰	۹۴.۳	۶.۳	۹۶.۰	۱۱.۰	۹۵.۹	۱۲.۱	۴۵-۴۹
۸۷.۴	۲۱.۱	۸۵.۸	۷.۲	۹۱.۵	۵.۵	۹۲.۴	۹.۵	۹۱.۲	۱۰.۸	۵۰-۵۴
۸۳.۹	۲۰.۰	۸۱.۱	۵.۵	۸۶.۹	۵.۱	۸۶.۳	۸.۳	۸۶.۴	۸.۸	۵۵-۵۹
۶۹.۶	۱۵.۶	۷۳.۲	۴.۵	۷۹.۸	۴.۴	۷۷.۰	۶.۸	۷۴.۱	۷.۶	۶۰-۶۴
۴۸.۸	۷.۶	۵۴.۲	۲.۷	۵۶.۹	۲.۹	۵۶.۴	۴.۷	۴۶.۸	۴.۵	۶۵ و بیش
۶۴.۹	۱۷.۹	۶۰.۷	۹.۲	۶۹.۲	۸.۲	۷۰.۷	۱۳.۶	۷۷.۰	۱۲.۵	جمع

منبع: نشریات سرشماری کشور برای سال‌های ۷۵-۱۳۴۵. ارقام سال ۱۳۸۰ براساس داده‌های طرح بررسی ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی خانوار* مرکز آمار ایران می‌باشد.

بهبود عمده‌ای در زمینه بهداشت و سلامتی زنان در دهه‌های اخیر رخ داده است. میزان مرگ و میر دختران کمتر از پنج سال در حدود ۲۵ در هزار می‌باشد که از میزان مشابه برای پسران (۳۶ در هزار) کمتر می‌باشد. درصد زایمان‌های انجام‌شده در کلینیک‌ها و مراکز بهداشتی از ۷۹ درصد در سال ۱۳۷۶ به حدود ۸۸ درصد در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است. همچنین، درصد زنان بارداری که حداقل از شش ملاقات و کنترل بهداشتی طی دوره حاملگی بهره‌مند بودند از ۶۰ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۸۰ درصد در سال ۱۳۷۹

افزایش یافت. ۷۷ درصد از زنان واقع در سنین فرزندآوری از وسایل و روشهای جلوگیری از حاملگی استفاده می‌کردند و میزان شیوع روش‌های جدید جلوگیری از حاملگی ۵۶ درصد بوده است. موقعیت کشور ایران، از نظر میزان مرگ و میر اطفال و مرگ و میر مادران، نسبت به کشورهای همسایه در جایگاه بالاتری قرار گرفته است (صندوق جمعیت سازمان ملل، ۲۰۰۵؛ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۱۳۸۱).

جدول ۳- نسبت جنسی جمعیت ایران، ۷۵-۱۳۴۵

سن	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵
۳-۰	۱۰۸	۱۰۸	۱۰۳	۱۰۵
۹-۵	۱۰۸	۱۰۸	۱۰۴	۱۰۴
۱۴-۱۰	۱۱۲	۱۱۰	۱۰۷	۱۰۴
۱۹-۱۵	۹۶	۱۰۲	۱۰۵	۱۰۱
۲۳-۲۰	۸۹	۹۲	۱۰۱	۹۷
۲۹-۲۵	۸۳	۹۲	۱۰۲	۱۰۱
۳۳-۳۰	۱۰۷	۹۷	۱۰۲	۱۰۲
۳۹-۳۵	۱۱۷	۱۰۳	۹۷	۱۰۴
۴۴-۴۰	۱۲۷	۱۱۶	۱۰۱	۱۰۴
۴۹-۴۵	۱۳۲	۱۱۸	۱۰۷	۹۷
۵۴-۵۰	۱۰۰	۱۲۲	۱۱۵	۱۰۱
۵۹-۵۵	۱۰۹	۱۲۹	۹۹	۱۱۰
۶۴-۶۰	۱۰۶	۱۰۷	۱۲۲	۱۲۰
۶۹-۶۵	۱۲۰	۱۱۰	۱۱۷	۱۱۵
۷۴-۷۰	۱۰۹	۱۰۳	۱۰۴	۱۲۱
۷۹-۷۵	۱۲۵	۱۲۷	۹۵	۱۱۳
۸۴-۸۰	۱۰۴	۱۱۵	۸۸	۱۰۲
۸۵ و بیشتر	۱۰۵	۱۱۱	۷۴	۸۷

منبع: نشریات سرشماری کشور برای سال‌های ۷۵-۱۳۴۵.

جدول ۴ نشان‌دهنده درصد زنان و مردان هرگز ازدواج نکرده ۲۹-۱۵ ساله طی دوره ۸۰-۱۳۴۵ می‌باشد. این درصد برای زنان افزایش قابل توجهی را طی سال‌های مورد بررسی نشان می‌دهد و میزان افزایش با گروه سنی رابطه مستقیمی داشته است. درصد زنان ازدواج نکرده ۲۹-۲۵ ساله در سال ۱۳۸۰ بیش از پنج برابر میزان مشابه در سال ۱۳۴۵ بوده است در حالی که میزان افزایش درصد مورد نظر برای زنان ۱۹-۱۵

ماهیت نامتجانس بهبود موقعیت زنان در ایران ۱۲۵

ساله در دوره مورد نظر، در حدود ۲۲ درصد بوده است. افزایش میزان تحصیلات زنان قطعاً نقش تعیین‌کننده‌ای در این زمینه داشته است (محمودیان، ۱۳۸۳). تغییرات در درصد افراد ازدواج‌نکرده برای مردان در ابتدا با افزایش (دوره ۱۳۴۵-۶۵) و بعد با کاهش (۱۳۶۵-۸۰) روبرو بوده است. این تغییرات همگرایی بیشتر رفتار مردان و زنان از نظر ازدواج و تشکیل خانواده را منعکس می‌کند.

جدول ۴- درصد افراد هرگز ازدواج‌نکرده زنان و مردان ۲۹-۱۵ ساله، ۱۳۴۵-۸۰

۱۳۸۰		۱۳۷۵		۱۳۶۵		۱۳۵۵		۱۳۴۵		سن
مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	
۹۹	۸۲	۹۷	۸۱	۹۳	۶۶	۹۴	۶۶	۹۶	۵۴	۱۵-۱۹
۷۳	۴۶	۷۲	۳۹	۵۹	۲۶	۶۱	۲۱	۶۹	۱۳	۲۰-۲۴
۳۳	۲۱	۳۷	۱۵	۱۸	۹	۲۲	۷	۳۷	۴	۲۵-۲۹

منبع: نشریات سرشماری کشور برای سال‌های ۷۵-۱۳۳۵. ارقام سال ۱۳۸۰ براساس داده‌های طرح "بررسی ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی خانوار" مرکز آمار ایران می‌باشد.

سنین بالای ازدواج برای زنان دارای تبعات متفاوتی بوده است که کاهش شدید باروری می‌تواند یکی از آن‌ها باشد. میزان باروری در دهه‌های اخیر کاهش شدیدی را تجربه کرده است. جدول ۵ میزان باروری کل را برای دوره ۷۹-۱۳۵۱ نشان می‌دهد. همان‌طور که نشان داده شده است، میزان باروری طی دوره ۵۹-۱۳۵۱ دارای روند افزایشی بوده است. این افزایش می‌تواند تا حد زیادی به تغییرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از وقوع انقلاب اسلامی که از طریق تقویت ارزش‌های مذهبی نقش مهمی را در کاهش سن ازدواج ایفا کرده است، نسبت داده شود (آقاجانیان^۱، ۱۹۹۱). کاهش درصد افراد ازدواج‌نکرده مرد و تغییر ناچیز درصد فوق‌الذکر برای زنان در دوره ۶۵-۱۳۴۵ می‌تواند موید این مطلب باشد. باروری در دوره ۷۹-۱۳۶۵ با سرعت نسبتاً بالایی کاهش یافت. تغییرات اقتصادی و اجتماعی که موجبات بهبود موقعیت زنان را فراهم کردند، زمینه‌ساز اصلی این کاهش به‌شمار می‌روند.

جدول ۵ - میزان باروری کل، ۷۹-۱۳۵۱

سال	میزان باروری	سال	میزان باروری
۱۳۵۱	۵.۹	۱۳۶۶	۵.۸
۱۳۵۲	۵.۹	۱۳۶۷	۵.۵
۱۳۵۳	۶.۰	۱۳۶۸	۵.۳
۱۳۵۴	۵.۷	۱۳۶۹	۵.۳
۱۳۵۵	۶.۱	۱۳۷۰	۴.۹
۱۳۵۶	۶.۱	۱۳۷۱	۴.۳
۱۳۵۷	۶.۲	۱۳۷۲	۳.۸
۱۳۵۸	۶.۶	۱۳۷۳	۳.۴
۱۳۵۹	۷.۰	۱۳۷۴	۲.۹
۱۳۶۰	۶.۸	۱۳۷۵	۲.۵
۱۳۶۱	۶.۱	۱۳۷۶	۲.۶
۱۳۶۲	۶.۳	۱۳۷۷	۲.۴
۱۳۶۳	۶.۶	۱۳۷۸	۲.۳
۱۳۶۴	۶.۴	۱۳۷۹	۲.۲
۱۳۶۵	۶.۲		

منبع: عباسی شوازی^۱ و دیگران، ۲۰۰۵

توانمندسازی زنان

روند توانمندسازی زنان همچنین می‌تواند از طریق مقایسه ویژگی‌های زنان از نسل‌های متوالی مورد سنجش قرار گیرد. جدول ۶ نشان‌دهنده توزیع نسبی زنان ۲۰-۴۹ ساله بر حسب گروه‌های سنی ۱۰ ساله و متغیرهای اجتماعی و جمعیتی منتخب در سال ۱۳۸۰ می‌باشد. همان‌طور که نشان داده شده است، زنان جوان‌تر نسبت به زنان دیگر از میزان تحصیلات بالاتری برخوردار بودند. همچنین، درصد زنان بی‌سواد ۴۰-۴۹ ساله بیش از چهار برابر درصد مشابه برای زنان ۲۰-۲۹ ساله بوده است. زنان در سنین بالاتر از میزان فعالیت بالاتری برخوردار بودند که می‌تواند به مهارت و تجربه بیشتر آن‌ها مرتبط باشد.

از نظر سن ازدواج و سن مادر در تولد اولین فرزند، تفاوت معنی‌داری بین نسل‌های متفاوت زنان وجود ندارد. همسانی زنان از نظر متغیرهای فوق‌الذکر با توجه به تفاوت تحصیلی شدید، موضوعی قابل بحث بوده

و می‌تواند نقش عوامل دیگر نظیر عوامل فرهنگی را منعکس کند. میزان استفاده از وسایل و روش‌های جلوگیری از حاملگی برای زنان ۳۰-۳۹ ساله بالاتر بوده است که می‌تواند ناشی از فرزندآوری بیشتر در این سنین باشد. زنان جوان‌تر بیشتر به روش‌های موقت جلوگیری از حاملگی نظیر قرص و آیودی متکی بودند در حالی که زنان مسن‌تر بیشتر از روش‌های نهایی استفاده می‌کردند. قرار گرفتن زنان مورد بررسی در مراحل مختلف دوره فرزندآوری، این تغییرات در نوع روش مورد استفاده را موجب شده‌اند. برای نمونه زنان ۴۰-۴۹ ساله، در سال‌های پایانی دوره فرزندآوری خود قرار داشته و احتمالاً باروری مورد نظر خود را کامل کرده بودند. نکته قابل توجه این است که زنان جوان‌تر نسبت به زنان دیگر بیشتر، از روش سنتی نزدیکی منقطع استفاده می‌کردند.

از آنجا که ازدواج فامیلی می‌تواند نشانه‌ای از قدرت و نفوذ نظام‌های خانوادگی پدرسالار باشد، داشتن شوهر از خویشاوند ممکن است عامل محدودیت قدرت زنان شود. لذا داشتن شوهران غیر خویشاوند با توانمندی و اقتدار زنان همبسته است. همان‌طور که نشان داده شده است، احتمال داشتن همسر از خویشاوندان نزدیک برای زنان جوان‌تر بیشتر از بقیه بوده است، هرچند تفاوت در خویشاوندی با شوهر بین نسل‌های مختلف معنی‌دار نبوده است. در حدود ۶۰ درصد از زنان مورد بررسی دارای همسر غیر خویشاوند بودند.

رابطه بین میزان ازدواج‌های از پیش تعیین شده و سن زنان مستقیم است. درصد زنان ۲۰-۲۹ ساله‌ای که همسران خود را شخصاً انتخاب کرده بودند نزدیک به دو برابر درصد مشابه برای زنان ۴۰-۴۹ ساله بوده است. از آن طرف، همسریابی برای بیش از ۶۰ درصد از زنان ۴۰-۴۹ ساله با توصیه پدر و مادر انجام شده بود در حالی که درصد مشابه برای زنان جوان‌تر (۲۰-۲۹ ساله) در حدود ۴۰ درصد بوده است. این وضعیت که می‌تواند با سایر ویژگی‌های فردی نظیر افزایش میزان تحصیلات زنان مرتبط باشد، توانمندتر شدن زنان از نظر کنترل زندگی شخصی طی نسل‌های متوالی را هویدا می‌سازد.

جدول ۶ - توزیع نسبی زنان ازدواج کرده بر حسب گروه‌های سنی

و متغیرهای اجتماعی و جمعیتی منتخب، ۱۳۸۰

متغیرها	سال ۲۰-۲۹	سال ۳۰-۳۹	سال ۴۰-۴۹
تحصیلات*	۳۲.۷	۳۲.۴	۲۵.۸
راهنمایی	۲۵.۹	۲۲.۳	۱۴.۷

۲۵.۵	۲۷.۵	۳۰.۰	متوسطه
۱۰.۶	۷.۲	۷.۶	دانشگاهی
۱۳.۵	۱۰.۴	۴.۰	سایر
۴۶.۷	۲۴.۷	۱۰.۱	درصد بی سواد*
۲۵.۴	۲۳.۵	۱۹.۱	درصد فعالان اقتصادی*
۱۸.۲	۱۸.۶	۱۸.۶	میانگین سن ازدواج
۲۰.۶	۲۰.۵	۲۰.۰	میانگین سن در تولد اولین فرزند
۷۳.۴	۸۱.۳	۶۶.۷	میزان استفاده از وسایل جلوگیری*
			نوع وسایل جلوگیری*
۲۴.۴	۳۱.۸	۴۵.۰	قرص
۴.۸	۹.۸	۱۵.۹	آیودی
۶.۳	۸.۵	۹.۷	کاندوم
۳۸.۹	۲۳.۳	۳.۲	بستن لوله زن
۱۳.۳	۱۵.۶	۱۶.۹	نزدیکی منقطع
۱۲.۳	۱۱.۱	۸.۳	سایر
			نسبت با همسر
۲۰.۵	۱۹.۷	۲۲.۷	خویشاوند نزدیک
۱۹.۲	۲۱.۹	۲۰.۴	سایر خویشاوندان
۶۰.۳	۵۸.۴	۵۷.۰	غیر خویشاوندان
			انتخاب همسر*
۶۲.۲	۴۸.۸	۳۹.۹	توصیه پدر و مادر
۴.۱	۷.۲	۴.۶	توصیه خویشاوندان نزدیک
۴.۳	۵.۲	۴.۱	توصیه سایر خویشاوندان و دوستان
۱.۳	۱.۸	۱.۱	توصیه دوستان فرد
۲۸.۱	۳۷.۰	۵۰.۳	انتخاب شخصی
			تفاوت تحصیلی زوجین*
۱۱.۹	۱۷.۸	۲۷.۷	تحصیلات بیشتر زن
۴۶.۳	۳۶.۸	۳۳.۸	یکسان
۴۱.۸	۴۵.۴	۲۸.۶	تحصیلات بیشتر مرد
			تفاوت سنی زوجین*
۱۲.۶	۱۰.۸	۵.۰	سن بالاتر زن
۵.۲	۴.۶	۴.۵	همسن
۲۸.۲	۳۴.۲	۳۳.۲	سن بالاتر مرد (۴-۱ سال)
۲۸.۶	۳۰.۴	۳۷.۵	سن بالاتر مرد (۸-۵ سال)
۲۵.۴	۱۹.۹	۱۹.۷	سن بالاتر مرد (۹ سال و بیشتر)

* معنی دار در سطح $P < 0.1$

منبع: ارقام براساس داده‌های طرح "بررسی ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی خانوار" مرکز آمار ایران می‌باشد.

برتری تحصیلی زنان نسبت به همسران خود برای زنان جوان تر بیشتر از زنان مسن تر بوده است. تنها در حدود ۱۱ درصد از زنان ۴۰-۴۹ ساله نسبت به شوهران خود از تحصیلات بالاتری برخوردار بودند در حالی که این درصد برای زنان ۲۰-۲۹ ساله در حدود ۲۸ بوده است. این وضعیت موجب آن شد تا از درصد زنانی که دارای میزان تحصیلات مشابه با همسران خود بودند در نسل های جوان تر کاسته شود چرا که تغییرات بین نسلی درصد زنانی که دارای تحصیلات کمتری نسبت به شوهران خود بودند زیاد نبود. با افزایش تحصیلات زنان در خانواده، بالطبع، میزان اقتدار و کنترل آن ها بر زندگی شخصی و خانوادگی نیز افزایش خواهد یافت.

برتری سنی زنان جوان تر نسبت به همسران خود، در مقایسه با زنان مسن تر، کاهش یافته است. در حدود ۱۳ درصد از زنان ۴۰-۴۹ ساله از شوهران خود مسن تر بودند در حالی که این درصد برای زنان ۲۰-۲۹ فقط پنج درصد گزارش شده است. بیش از ۸۰ درصد از زنان، در کل، دارای همسرانی مسن تر از خود بودند. درصد زنان دارای همسران مسن تر از خود برای جوان ترین نسل بیشتر از بقیه بوده است اما مقدار تفاوت سنی با جوان تر شدن نسل ها کاهش یافته است. این بدین معنی است که میانگین تفاوت سنی زوجین برای نسل جوان تر کمتر از سایرین بوده است. هرچند، برابری سنی زوجین و برابری جنسیتی می توانند رابطه متقابل داشته باشند (کسترلاین^۱ و دیگران، ۱۹۸۶: ۳۵۴)، نشان داده شده است تفاوت سنی زوجین بیشتر از اینکه ناشی از عوامل اقتصادی و اجتماعی باشد، یک ترجیح رفتاری است (محمودیان، ۱۳۸۴). ترجیحی که خمیرمایه فرهنگی و مردم شناسانه آن مهم تر از سایر عوامل است.

نگرش زنان نسبت به برابری جنسیتی و میزان اقتدار در خانواده در جدول ۷ نشان داده شده است. در مورد امتیازات و حقوق مساوی زنان و مردان در آموزش، اشتغال، فعالیت های سیاسی و غیره، تفاوت معنی داری بر حسب نسل وجود ندارد و اتفاق نظر کلی در تمامی موارد مرتبط با این موضوع بین تمامی زنان حاکم بوده است. با این حال، میزان اهمیت موارد متفاوت بوده است. برابری جنسیتی در تعیین تعداد و فاصله بین موالید، انتخاب همسر و آموزش، به ترتیب، بیشترین توجه را به خود جلب کردند. از آن طرف، برابری در پست های بلند پایه حکومتی و فعالیت های سیاسی، به ترتیب، کمترین اهمیت را به خود اختصاص دادند. بنابراین، تمایل زنان در مشارکت سیاسی کمتر از سایر موارد بوده است.

اظهارات زنان در خصوص سهم مساوی زوجین در تربیت و پرورش فرزندان و خانه‌داری متفاوت بوده است، هرچند تفاوت بین نسلی معنی‌داری در این مورد نیز وجود ندارد. تنها حدود ۴۲ درصد از زنان صریحاً معتقد بودند که در پرورش فرزندان سهم مرد و زن مساوی است. در حدود ۴۵ درصد از زنان موافقت خود را با عبارت "تا حدودی" محدود کردند. در مورد خانه‌داری، درصد موافقان قطعی برابری به نصف کاهش می‌یابد (حدود ۲۰ درصد). این نتایج اهمیت و قدرت الگوهای فرهنگی و اجتماعی در تعیین نقش‌های جنسیتی را نشان می‌دهد.

جدول ۷- توزیع نسبی زنان ازدواج کرده بر حسب گروه‌های سنی و متغیرهای مربوط به نگرش زنان نسبت به برابری جنسیتی و میزان اقتدار آن‌ها در خانواده، ۱۳۸۰

متغیرها	سال ۲۰-۲۹	سال ۳۰-۳۹	سال ۴۰-۴۹
اعتقاد به امتیازات و حقوق مساوی زنان در			
آموزش	۹۰.۸	۹۱.۳	۸۹.۳
اشتغال	۷۸.۹	۷۹.۰	۸۱.۴
فعالیت‌های سیاسی	۵۶.۵	۵۸.۸	۵۶.۱
پست‌های بلندپایه حکومتی	۵۳.۷	۵۷.۷	۵۴.۵
تصمیم‌گیری‌های محلی و ملی	۷۳.۸	۷۳.۳	۷۲.۶
انتخاب همسر	۹۱.۷	۹۲.۹	۹۰.۹
تعداد و فاصله بین فرزندان	۹۴.۷	۹۴.۵	۹۳.۵
اعتقاد به سهم مساوی زنان و مردان در پرورش فرزندان			
بلی	۴۲.۱	۴۳.۲	۴۱.۹
بلی، تا حدودی	۴۵.۳	۴۳.۱	۴۳.۲
نه، این کار زنان است	۱۲.۰	۱۳.۱	۱۴.۰
نمی‌دانم	۰.۶	۰.۶	۱.۰
اعتقاد به سهم مساوی زنان و مردان در خانه‌داری			
بلی	۲۱.۳	۲۱.۲	۲۰.۲
بلی، تا حدودی	۵۴.۴	۵۳.۷	۵۳.۲
نه، این کار زنان است	۲۳.۴	۲۴.۱	۲۶.۳
نمی‌دانم	۰.۹	۰.۹	۱.۳
تصمیم‌گیری در خانواده شما (تعداد فرزندان)*			
زن به تنهایی	۳.۵	۵.۳	۷.۶
شوهر به تنهایی	۵.۵	۷.۶	۱۰.۷
هر دو	۹۱.۰	۸۷.۱	۸۱.۷
تصمیم‌گیری در خانواده شما (فاصله بین فرزندان)*			
زن به تنهایی	۷.۹	۹.۸	۱۱.۲
شوهر به تنهایی	۵.۸	۷.۴	۹.۵

۷۹٫۲	۸۲٫۸	۸۶٫۳	هر دو
			تصمیم‌گیری در خانواده شما (روش جلوگیری)*
۲۵٫۳	۲۳٫۵	۲۰٫۶	زن به تنهایی
۷٫۱	۷٫۷	۶٫۲	شوهر به تنهایی
۶۷٫۶	۶۸٫۹	۷۳٫۲	هر دو
			تصمیم‌گیری در خانواده شما (وضعیت تحصیلی فرزندان)*
۱۷٫۳	۱۵٫۴	۸٫۴	زن به تنهایی
۱۱٫۰	۹٫۷	۹٫۳	شوهر به تنهایی
۷۱٫۷	۷۴٫۹	۸۲٫۳	هر دو
			تصمیم‌گیری در خانواده شما (خرید وسایل)*
۶٫۹	۵٫۲	۲٫۷	زن به تنهایی
۲۳٫۸	۲۲٫۹	۱۹٫۳	شوهر به تنهایی
۶۹٫۳	۷۱٫۹	۷۸٫۰	هر دو

* معنی‌دار در سطح $P < 0.1$

منبع: ارقام براساس داده‌های طرح "بررسی ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی خانوار" مرکز آمار ایران می‌باشد.

پاسخ زنان در مورد میزان اقتدار آن‌ها در خانواده بر حسب موضوعات مختلف، تفاوت‌های بین نسلی معنی‌داری داشته است. برای تصمیم‌گیری در باره تعداد فرزندان، زنان جوان‌تر، نسبت به زنان مسن‌تر، به برابری جنسیتی بیشتری اشاره داشته‌اند. این وضعیت در مورد سایر موضوعات نیز حاکم است. بیشترین توافق در برابری جنسیتی، در موضوع تصمیم‌گیری در باره تعداد فرزندان و کمترین توافق در تصمیم‌گیری در باره نوع روش جلوگیری از حاملگی بوده است. بیشترین نقش انفرادی زنان در تصمیم‌گیری در باره نوع روش جلوگیری بوده است و میزان اقتدار زنان در این حالت با سن همبستگی مثبت داشته است. این احتمالاً بدین علت است که میزان استفاده زنان مسن‌تر از روش‌های جلوگیری (مخصوصاً روش‌های زنانه) بیشتر بوده است. نقش انفرادی مردان در تصمیم‌گیری در مورد خرید وسایل و لوازم بیشتر بوده است و تفاوت بین نسلی مهمی نیز در این مورد وجود ندارد. حضور و مشارکت اقتصادی و اجتماعی بیشتر مردان می‌تواند تبیین‌کننده این وضعیت باشد.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که نشان داده شده است، افزایش میزان تحصیلات، بهبود بهداشت و سلامتی، کاهش باروری و سنین بالاتر ازدواج موجبات توانمندی زنان را فراهم کرده و حرکت به سمت سطح بالاتری از برابری

جنسیتی را فراهم آورده است. با این حال، حضور موثر اقتصادی و اجتماعی زنان توسعه قابل توجه‌ای پیدا نکرده است. میزان مشارکت زنان در نیروی کار در ایران، در مقایسه با کشورهای توسعه یافته، در سطح نسبتاً پایینی قرار دارد. این وضعیت می‌تواند تا اندازه‌ای عدم دستیابی زنان به مهارت‌ها و توانایی‌های لازم برای مشارکت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در جامعه را منعکس کند.

تجزیه و تحلیل نسلی، نتایج کمابیش مشابهی را نشان داده است. از نظر آموزش و تحصیلات، تفاوت بین نسلی معنی‌دار بوده و نسل‌های جوان‌تر به مراتب از میزان تحصیلات بالاتری برخوردار بودند. میزان بی‌سوادی کاهش شدیدی را در فواصل بین نسل‌ها، از نسل مسن‌تر به نسل جوان‌تر، نشان داده است. هرچند میزان نسبتاً پایینی از باروری در سال‌های اخیر حاصل شده است، ولیکن زنان ازدواج کرده در نسل‌های مورد بررسی در؛ سن ازدواج، شروع فرزندآوری و میزان استفاده از وسایل جلوگیری از حاملگی تفاوت زیادی با یکدیگر نداشتند. این بدین معناست که عوامل دخیل در محدودیت باروری، نظیر تحصیلات زنان، تاثیر خود را در داخل ساختارهای حامی عمومیت ازدواج و اهمیت فرزندآوری زودرس انجام داده‌اند. زنان جوان‌تر اقتدار بیشتری را در انتخاب همسر از خود نشان دادند در حالی که نسبت خویشاوندی بین همسران تغییر بین نسلی چندانی نداشته است. افزایش میزان تحصیلات زنان تفاوت تحصیلی زوجین را تحت تاثیر قرار داده و درصد زنانی که نسبت به همسران خود از تحصیلات بالاتری برخوردار بودند در نسل‌های جوان‌تر افزایش یافته است. نسبت ازدواج‌هایی که در آن‌ها سن شوهر از سن زن بیشتر است در فاصله‌های بین نسلی افزایش یافته است، اما میزان تفاوت سنی زوجین با سیر نزولی همراه بوده است.

نگرش زنان نسبت به برابری جنسیتی در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تغییرات بین نسلی مهمی را نشان نداده است. زنان ارجحیت بیشتری را برای برابری در فعالیت‌های مرتبط با زندگی خصوصی قایل شدند. سطح نسبتاً بالای برابری جنسیتی در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با فعالیت‌های درون خانه نشان‌دهنده اقتدار بالای زنان می‌باشد. این برابری برای زنان جوان‌تر بیشتر از زنان مسن‌تر بوده است. نگرش زنان نسبت به برابری جنسیتی و اقتدار به‌مقدار قابل توجه‌ای ملهم از تعاریف فرهنگی و اجتماعی وظایف مرد و زن در جامعه می‌باشد. این تعاریف در میزان اهمیتی که زنان برای هر یک از وظایف و نقش‌ها قایل بودند نمایان شده است. میزان پایین مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان، توجه آن‌ها را بیشتر به فعالیت‌های درون خانه هدایت کرده است. سعی زنان بر این بوده است تا در این امور درون‌خانه‌ای که رابطه تنگاتنگ‌تری با زندگی شخصی آن‌ها دارد، مطالبات بیشتری داشته باشند. مطالباتی که اگرچه تا حد زیادی

تابع بهبود موقعیت آن‌ها (عمدتاً از نظر آموزش و بهداشت) بوده است، خود می‌تواند به انتظارات بیرون از خانه که نیازمند حضور و تجربه بیشتر زنان است سرایت پیدا کند مشروط بر اینکه فضای لازم برای این حضور و تجربه وجود داشته باشد.

به طور آشکارا پیداست که توانمندسازی زنان عمدتاً در اشکال تغییرات ایده‌ای و نگرشی بوده است. تغییرات مهم در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشور طی دهه‌های گذشته فضای کافی را بهبود موقعیت زنان به‌وجود آورده است. انقلاب اسلامی که ملهم از اعتقادات مذهبی بود افزایش سطوح زندگی افراد و گروه‌هایی که در وضعیت پایین اقتصادی و اجتماعی قرار داشتند را با هدف افزایش سطح برابری و مساوات سرلوحه خود قرار داد. در این میان زنان، به‌عنوان بزرگترین گروه جمعیتی محروم از امتیازات و حقوق (ناشی از نظام‌های اجتماعی و سیاسی استبدادی) توجه ویژه‌ای را به خود جلب کردند. بنابراین ایده‌های توانمندسازی و رعایت حقوق زنان که توسط دین اسلام پشتیبانی می‌شود (اوبرمیر^۱، ۱۹۹۴؛ هودفر^۲، ۱۹۹۵) به‌راحتی در سیاست‌های توسعه‌ای دولت قرار داده شدند. علاوه بر آن، با توجه به تغییرات در ساختارهای اقتصادی، نظام‌های خانوادگی و ارزش فرزندان، توانمندسازی زنان و برابری جنسیتی پشتیبانی قوی را در داخل خانواده‌ها پیدا کرد. سعی خانواده‌ها بر آن است که با ارائه فرصت‌ها و امکانات مساوی به فرزندان، بدون توجه به جنس آن‌ها، آینده بهتری را برای خانواده به ارمغان بیاورند. همچنین، زنان با برخورداری از قابلیت‌ها و امکانات جدیدی که به‌دست آورده‌اند دارای انگیزه‌های قوی‌تری برای دسترسی به موقعیت‌های بالاتر بوده و تلاش مضاعفی را برای بهبود موقعیت خود به عمل می‌آورند.

توانمندسازی زنان در ایران، همان‌طور که مورد اشاره قرار گرفت، دارای یک ماهیت نامتجانس است. موقعیت زنان در بعضی از حوزه‌های زندگی نظیر آموزش و بهداشت بهبود قابل توجه‌ای داشته است در حالی که وضعیت آن‌ها در بعضی دیگر از حوزه‌ها نظیر مشارکت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تغییر چندانی پیدا نکرده است. این عدم تجانس بیانگر آن است که انجام توانمندسازی و حفظ آن در نظام‌های اقتصادی و اجتماعی قشربندی‌شده مبتنی بر جنسیت امکان‌پذیر خواهد بود. در نتیجه، سرعت تغییرات در حوزه‌های مختلف زندگی، با توجه به تعامل عوامل گوناگون در شکل‌دهی زندگی اجتماعی، متفاوت می‌باشد (لستاگه^۳

1. Obermeyer

2. Hoodfar

3. Lesthaeghe

و سورکین^۱، ۱۹۹۵). ارتباط متقابل بین نظام‌های قشربندی‌شده و تغییرات جمعیتی توجه ویژه‌ای را در محافل علمی به خود جلب کرده‌اند. ادبیات مرتبط با برابری جنسیتی نشان می‌دهد که علیرغم اهمیت برابری جنسیتی در انتقال جمعیتی، نظام‌های قشربندی‌شده مبتنی بر جنسیت وقوع این انتقال را مانع نمی‌شوند (محمودیان، ۲۰۰۵).

توانمندی نامتجانس زنان می‌تواند تبعات مختلف و الزامات سیاستی متفاوتی را به همراه داشته باشد. دستیابی زنان به تحصیلات بالاتر توانایی‌ها و مهارت‌های آن‌ها را افزایش خواهد داد. بنابراین زنان برای تصدی جایگاه‌ها و موقعیت‌های مختلف آماده‌تر می‌شوند. با توجه به میزان پایین مشارکت زنان در نیروی کار و حضور کم‌رنگ آن‌ها در فعالیت‌های سیاسی، تدوین سیاست‌های مرتبط و انجام اقدامات ویژه برای ادغام سیاسی و اجتماعی این جمعیت توانمند، ضرورت اساسی خواهد داشت.

سن ازدواج در حال افزایش با توجه به باروری در سطح جانشینی تبعات متفاوتی از نظر عمومیت ازدواج و بهداشت باروری (ماهیت روابط جنسی، استفاده از روش‌ها و وسایل جلوگیری از حاملگی، باروری ناخواسته و سقط جنین) به دنبال خواهد آورد. وجود مضیقۀ ازدواجی، در بازار ازدواج، که به‌طور نامتناسبی تاخیر بیشتر در ازدواج برای زنان را موجب می‌شود، می‌تواند میزان بالاتری از تجرد قطعی برای زنان را به همراه داشته باشد. در نتیجه خانوارهای با سرپرست زن افزایش یافته و کیفیت زندگی در چنین خانوارهایی شدیداً به موقعیت زنان وابسته خواهد بود. رفع موانع مرتبط با بهداشت باروری در موقعیتی که باروری در حد پایین و سن ازدواج بالاست، نیازمند درجه بالایی از برابری جنسیتی می‌باشد. همچنین اقدامات ویژه‌ای در خصوص روابط جنسی سالم، کاهش بیماری‌های واگیر از طریق تماس‌های جنسی و استفاده مؤثرتر از روش‌ها و وسایل جلوگیری از حاملگی مورد نیاز می‌باشد. در تامین بیشتر بهداشت و سلامتی مادران و کودکان، مشارکت بیشتر مردان در بهداشت باروری عنصری حیاتی خواهد بود.

بهبود موقعیت زنان در کشور و تداوم آن با توجه با ساختارهای قشربندی‌شده انجام گرفته است. قابلیت انعطاف این ساختارها، از یک طرف، می‌تواند تضمین‌کننده بهبودهای بیشتر باشد. موقعیت بهبود یافته زنان، از طرف دیگر، تغییرات مورد نظر در این ساختارها را موجب خواهد شد. در نتیجه، با توجه به این تعامل، سطوح بالاتری از برابری جنسیتی که برای توسعه پایدار ضرورت تام دارد، حاصل خواهد شد.

منابع

- آبوت، پاملا و کتر والاس (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- آزاد ارمکی، تقی و غفورنیا، نفیسه (۱۳۸۰) «برابری جنسیتی در حوزه سیاسی»، پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۲، صص ۲۹-۶۸.
- کتابی، محمود و دیگران (۱۳۸۲) «توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه»، پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۷، صص ۵۳۰.
- درودی آهی، ناهید (۱۳۸۴) «الگوی سنی نسبت‌های جنسی در ایران (مطالعه مقدماتی)»، مقاله ارائه شده در سومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۸۱) توسعه و چالش زنان ایران، تهران: نشر قطره.
- لوکاس، دیوید و میر، پاول (۱۳۸۴) درآمدی بر مطالعات جمعیتی، مترجم حسین محمودیان، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- متین، عطالله و دونلو، ژاله (۱۳۸۳) جمعیت و تنظیم خانواده در جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر فوزان.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۲) «بررسی مشارکت زنان در نیروی کار در استانها در سالهای ۶۵، ۷۵ و ۸۵»، نامه علوم اجتماعی، مجلد ۱۱، شماره ۱، صص ۲۱۸-۱۸۹.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۳) «سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴، صص ۲۷-۵۳.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۴) «عوامل موثر بر تفاوت سن ازدواج زوجین»، مقاله ارائه شده در گردهمایی تخصصی ازدواج جوانان، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۲) مرگ‌ومیر کودکان در ایران: روندها و شاخص‌ها (۱۴۰۰-۱۳۳۵)، تهران: مرکز آمار ایران.
- موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی (۱۳۸۳) آمار آموزش عالی، سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲، تهران: موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دیگران (۱۳۸۱) سیمای جمعیت و سلامت در جمهوری اسلامی ایران، مهر ۱۳۷۹، تهران: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

Abbasi-Shavazi, M. J. and P. McDonald (2005) "National and provincial-level fertility trends in Iran", 1972-2000, Working Papers in Demography, No. 94, Canberra: Australian National University.

Aghajanian, A. (1991) "Women's roles and recent marriage trends in Iran", Canadian Studies in Population, 18(1):17-28.

- Casterline J. B. et al.** (1986) "The age differences between spouses: variations among developing countries", *Population Studies*, 40:353-374.
- Dollar, D. and R. Gatti** (1999) "Gender inequality, income and growth: are good times good for women?", World Bank, Development Economics Research Group, Poverty Reduction and Management Network, Working paper series, no. 1.
- Hoodfar H.** (1995) "Population policy and gender equity in post-revolutionary Iran", in C. M. Obermeyer (ed.), *Family, Gender, and Population in the Middle East: Policies in Context*, Cairo: American University in Cairo Press: 105-35.
- Jaggar, A. M.** (1983) *Feminist Politics and Human Nature*, Sussex: Rowman and Allan Held.
- Mahmoudian, H.** (2005) "Fertility decline and changes in women's status in Iran", Paper presented at the International Union for the Scientific Study of Population XXV International Population Conference, Tours, July 18-23.
- Ministry of Health and Medical Education** (2005) *ICPD at 10: Country Report of the Islamic Republic of Iran*, Tehran: Kanoon Printing Co.
- Lesthaeghe, R. and J. Surkyn** (1995) "Heterogeneity in social change: Turkish and Moroccan women in Belgium", *European Journal of Population*, 11:1-29.
- Obermeyer, C. M.** (1994) "Reproductive choice in Islam: gender and state in Iran and Tunisia", *Studies in Family Planning*, 25(1):41-51.
- Razavi, S.** (1997) "Fitting gender into development institutions", *World Development*, 25:1111-1125.
- Sargent, L. T.** (1999) *Contemporary Political Ideologies*, Philadelphia: Fort Worth.
- UNDP** (1999) *Human Development Report*, New York: United Nations.
- UNFPA** (1999), *Women and Health: Mainstreaming the Gender Perspective into the Health Sector*, Report of the expert group meeting, 28 Sep.-2 Oct. 1998, Tunis, New York: United Nations.
- UNFPA** (2005) *State of World Population 2005*, New York: United Nations.
- Valerie, B.** (1999) *Feminist Debates*, London: Macmillan.
- World Bank** (1994) *Population and Development: Enhancing Development through Attention to Gender*, World Bank: Washington DC.